



• پیاده‌رو •

• مسعود پزeshکیان •

استفاده از پسابر جام برای رفع بیکاری و گرانی

قانون نانوشته‌ای اینطور حکم می‌کند که «اشتغال» از معیارهای اصلی قضاوت درباره مطلوب یا بحرانی بودن جامعه است و دقیقاً به همین دلیل انتظار می‌رود که دست‌اندرکاران و آنهایی که تصمیم‌گیر هستند همه هم و غم خود را به کار بگیرند تا بلکه «بیکاری» اگر ریشه کن هم نشد، روز به روز کمتر شود. دولت یازدهم در شرایطی سومین سال فعالیت خود را سپری می‌کند که با شعار «اعتدال سیاسی، تدبیر اقتصادی و امید اجتماعی» از مردم رای گرفت، آن هم در شرایطی که جامعه از دو معضل نرخ بالای تورم و بیکاری رنج می‌برد و کارگران در این میان بیش از دیگران تحت فشار قرار داشتند. مسئولان اقتصادی باید تلاش خود را به کار بگیرند تا مشکل گرانی و همچنین بیکاری را برطرف کنند، چرا که این دو پدیده، تاثیر مستقیمی در زندگی مردم دارد و واجب است که تدابیر لازم اندیشیده شود تا جامعه، هم از شر گرانی خلاص شود و هم اینکه فضای اشتغال را فضایی پررونق ببیند. برهمگان آشکار است که شرایط حساسی در کشور مشاهده می‌شود. باید دستگاه‌ها و نهادهای دیگر هم دولت را در راستای کاهش مشکلات باری رسانند تا بلکه از این طریق، مشکلات اقتصادی کاهش یابد. با توجه به اینکه گره هسته‌ای بعد از چندین سال باز شد و نظام بین‌المللی در حال مشاهده اجرای ماهدات برجام هم از سوی ایران و هم از جانب ا‌س‌ا‌ت‌س‌ا‌م‌، می‌توان منتظر این بود که فضایی مطلوب برای تلاش در راستای کاهش مشکلات به وجود آید، زیرا به نظر می‌رسد از طریق رابطه داشتن با کشورهای دیگر می‌توان معایب و مشکلات موجود را تا حدی به حاشیه راند.

یک دهه گذشته محدودیت‌های زیادی از سوی جامعه جهانی به ایران تحمیل شد و انواع و اقسام مشکلات، گریبان اقتصاد را گرفت و نتایج‌ت‌ا‌ شرایط دشواری به مردم و خصوصاً اقشار پایین جامعه تحمیل شد. دقیقاً به همین دلیل حالا که تیم مذاکره کننده هسته‌ای، توانست با کشورهای غربی و آمریکا به تفاهم اولیه برسد، موجی از خوشحالی و امیدواری به لایه‌های مختلف جامعه تزریق شده و انشاءالله دولت و همه نهادهای دیگر در کنار دیگر تلاش خواهند کرد تا بلکه وضعیت در حوزه‌های معیشتی و اقتصادی از چیزی زی‌ه‌ست، بهتر شود. لذا دولت نیازمند کمک دستگاه‌های دیگر است تا بتواند میزان رضایت را به بالاترین شکل ممکن خود برساند.

البته مردم باید این نکته را در نظر داشته باشند که حل مشکلاتی که در طول ۱۰ سال تحریم به کشور تحمیل شده، راحت نیست و لازم است هم پتانسیل‌های کافی در اختیار مجریان کشور گذاشته شده هم فرصت کافی به دستگاه‌های ذیربط برای حل مشکلات داده شود. اینکه توقع داشته باشیم مثلاً چند ماه بعد از توافق نهایی مشکلاتی از قبیل گرانی، بیکاری و... همه به یکباره حل شوند، منطقی نیست و فقط سبب به وجود آمدن ناامیدی در بین مردم خواهد شد. البته این حق طبیعی مردم است که توقع داشته باشند، مساله اشتغال و مشکل گرانی هر چه زودتر حل شود تا بتوانند آرامش لازم را داشته باشند.

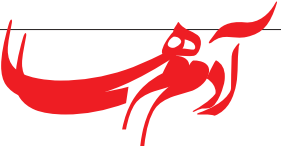
عضو کمیسیون بهداشت و درمان
مجلس شورای اسلامی



قصه زندگی آدم‌ها

صفحه آدم‌ها جایی برای قصه گفتن است. می‌خواهیم در این صفحه هفته نامه آتیه‌نو، قصه آدم‌ها را برای شما بگوییم. آدم‌هایی که همیشه پیرامون ما هستند. آدم‌های معمولی که مثل مادر کارشان موفق می‌شوند، شکست می‌خورند، می‌برند و می‌بازند. آدم‌هایی که مثل ما گریه می‌کنند، می‌خندند، شادند و گاهی غمگین! آنهایی که مثل ما عاشق می‌شوند و برای زندگی می‌جنگند. قصه آدم‌هایی که ما باشیم در این صفحه نگارش می‌شود. شما هم اگر کسی در اطرافتان می‌شناسید که قصه زندگی‌اش شنیدنی است به ایمیل heydarian.javad61@gmail.com پیام دهید و بگویید تا قصه او را بنویسم.

۱۰ | آتیه‌نو



روایت‌زدگی



یکشنبه • ۱۶ اسفند ۱۳۹۴ • شماره چهل و شش

A T I V E N O

می‌داند قصدش این است خرید کند، یا چه نوع غذایی بخورد را قبل به کارگزارش می‌گوید حواسشان باشد و فلان غذا را آماده کنند. قصد دارم اگر شد، کمیت کارش را همزمان با کیفیت افزایش دهم. «قصدم این است اگر بتوانم اینجا را سر و سامان بیشتری بدهم و البته دنبال ایجاد شعبه در یک منطقه پرتر آمدنتر هستم. قصدم این است که همین کار را ادامه بدهم.» حیدر خان خودش می‌داند که این کار را دوست دارد اما چه حجات زیادی دارد اما بیم هم دارد ولی اهل ریسک است و عاقبت می‌گوید این کار را گسترش خواهد داد.

می‌گوید: «هرچند شغل رستوران‌داری آن هم رستوران سنتی، خستگی زیاد دارد اما کار جذابی است. من از کم‌گذاشتن و کم‌کاری و بی‌دقتی و بی‌انضباطی و... بدم می‌آید. من هر روز سر و وضع را مرتب می‌کنم و سر کار می‌آیم، چون می‌خواهم مشتری بدانم چقدر با ظرافت کارم را انجام می‌دهم و مشتری من شود.»

حیدر خان به ایل و تبارش هم اشاره می‌کند و می‌گوید: «مادرم تهرانی و پدرم سسمنانی است ولی خودم متولد محله بازار تهران هستم. دوران دبستان و راهنمایی را در همان محلات نزدیک بازار گذراندم. اکنون پاسداران می‌نشینم. ۵۴ ساله هستم و دختری ۱۶ ساله دارم.»

حیدر خان البته اعتقاد دارد تجربه‌های این دوره زمانه خودشان راه خودشان را بهتر پیدا می‌کنند اگرچه می‌گوید در گذشته هم پدر و مادر برای انتخاب سبک زندگی به او فشاری وارد نکردند و همین ماجرا باعث شده او آدمی با استقلال رای باشد و خودش همه امورات زندگی‌اش را انتخاب کند. می‌گوید: «من هیچ دخالتی در نحوه انتخاب شغل و سبک زندگی دخترم نمی‌کنم. معتقدم خودش باید انتخاب کند. زمانی که ما بچه بودیم کسی به ما نگفت چه کار بکنید و چه کار نکنید. اگرچه حالا وضعیت به خاطر تکنولوژی و ارتباطات خیلی با دوران ما فرق می‌کند و بنابراین من هم مثل پدرم با فرزندم رفتار می‌کنم. من خودم راه خودم را پیدا کردم. پدرم شش سال درس خواند اما همه فرزندانش تحصیل کرده هستند و شغل‌های خوبی دست و پا کردند. اغلب هم خودشان بدون کمک دیگران را توانستند زندگی خودشان را به دست بگیرند.»

حیدر خان باور دارد کارگران باید دست پاک، تمیز و مودب باشند. صاحب کار هم باید منصف و شریف باشد و حقوق و مزایای کارگزارش را به موقع و کامل پرداخت کند. می‌گوید: «اینجا سه نفر کارگر دارم. متأسفانه نه خودم نه کارگران بیمه نیستند و فکر می‌کنم سهل‌انگاری باعث شده که این همه سال خودم را بیمه نکنم. ممکن است همین فردا نتوانم کار کنم و راستش ناآگاهی سبب شده که در مورد بیمه کردن خودم و کارگرانم کاهلی کنم.» او به وضعیت آشنیزخانه خانگی‌اش اشاره می‌کند و به این توضیح بسنده می‌کند که «خانم من و یک آشنیز برنج بز (پخت برنج) در خانه کار می‌کنند.» بعد می‌گوید که تر که‌ها کلاً آشنیزهای خوبی هستند. خانم من ترک زبان است و داریم کار را جلو می‌بریم. من خودم خیلی آدم منظمی هستم و به بهم ریختگی بدم می‌آید و کارگرانم هم می‌دانند و سعی می‌کنند رعایت کنند. این قضیه در خانه و مدیریت خانه هم وجود دارد.»

حیدر خان چرا از کار پوشاک آمد بیرون و شد کسی که می‌خواهد یک آشنیزخانه خانگی را اداره کند؟ خودش می‌گوید: «لایل اینکه از پوشاک بعد از ۲۰ سال آمدم بیرون کم‌تجربگی بود. هم تولید داشتیم و هم پوشاک وارد می‌کردم ولی به یکباره کم آوردم و نفهمیدم چه شد که زدم بیرون. کار اشتباهی کردم اما حالا دارم خودم را در شغل دیگری پیدا می‌کنم.» بعد رو می‌کند به کلیه زربایش و می‌گوید: «اسمش از ابتدا چرن بود. دیدم اسم قشنگیه نگه داشتم. گویا اسم یک رودخانه است در ایالت کالیفرنیا آمریکا و...» بعد با خنده می‌گوید البته کسی نمی‌گوید ممکن است اشتباه گفته باشم و مثلاً اسم یک روستا باشد در همین ترکمن صحرائ خودمان در گرگان.

اما اسم خوب و زیبایی است. بعد رو می‌کند به سمت خیابان و یقه پیراهنش را مرتب می‌کند و انگار خواهد حرف مهمی بزند می‌گوید: «من آدم باهوشی هستم و هر کاری به من بدهند انجام می‌دهم. من ادکلن ۵۰۰ هزار تومانی می‌زنم اما ظرف آش ۶ هزار تومانی را می‌شورم. این کار برای من عیب نیست. این کار من است...»



حیدر خان پیش از اینکه رستوران‌دار شود، وارد کننده پوشاک بود. در آمدن زیادی هم داشت. دو دهنه مغازه داشت و علاوه بر واردات خودش هم تولید کننده بود. هفت هشت کارگر دوزنده داشت اما اتفاقی افتاد و او را وارد کرد شغلش را عوض کند ■ عکس: علیرضا تقوی

دنیا روی دیوار و البته میزهای متوسط و صندلی‌های خوشگل می‌تواند هر بار همزمان ۱۲ نفر را میهمان خود کند. نه چندان شلوغ و سرسام‌آور است نه اقتدرها خلوت و بی‌مشتری! آشنیزخانه در ته رستوران پیداست. حیدر خان می‌گوید «می‌خواهم مشتری احساس امنیت کند. بداند اینجا مثل خانه خودش است.» دیگ‌ها همه دیگ‌های خانگی، ظروف تمیز و مرتب، نمکدان و قفل‌دان نقلی و کوچک روی میز خودنمایی می‌کنند. دوغ محلی در کنار غذاهای خانگی می‌تواند یک دهر لال انگیز را برای مشتری رقم بزند.

حیدر خان می‌گوید: سخت‌ترین کار در صنف مواد غذایی و رستوران‌داری همین سنتی‌فروشی است. چون غذای خانگی تست کمی دارد و تنها هفت یا هشت مدل غذا می‌توان تهیه کرد اما همین تعداد به لحاظ کیفیت باید عالی باشد و با جاهای دیگر قابل مقایسه نباشد تا بتواند رضایت مشتری را جلب کرد. روراست می‌گوید: «کار پوشاک وضعیت بهتری داشت اما کار رستوران سنتی را بیشتر دوست دارم.»

کار پوشاک تلفات ندارد اما کار رستوران تلفات دارد و همیشه باید ضرر مواد از بین‌رفته را حساب کنید. کافی است یک روز یک اتفاقی بیفتد تا کار خراب شود. روزانه به طور میانگین، ۱۰ تا ۲۰ مشتری دارد اما می‌گوید «اگر این مغازه در خیابان شهید اندرزگو قیطره به یا سعادت آباد و یا هر جای دیگری بود درآمد به نسبت متفاوتی داشت.»

حیدر خان تیزبین و بسیار باهوش است. مشتری از دور می‌آید

حیدر خان باور دارد کارگران باید دست پاک، تمیز و مودب باشند. صاحب کار هم باید منصف و شریف باشد و حقوق و مزایای کارگزارش را به موقع و کامل پرداخت کند.

می‌گوید: «اینجا سه نفر کارگر دارم. متأسفانه نه خودم نه کارگران بیمه نیستند و فکر می‌کنم سهل‌انگاری باعث شده که این همه سال خودم را بیمه نکنم. ممکن است همین فردا نتوانم کار کنم و راستش ناآگاهی سبب شده که در مورد بیمه کردن خودم و کارگرانم کاهلی کنم...»

خودش هم تبلیغ می‌کند که این ترشی کار دست خانم من است و هر کس نخورد ضرر کرده است. سالاد شیرازی با آب لیموی زیاد هم پیشنهاد دیگر حیدر خان است. دلمه برگ مو غذای دیگری است که حیدر خانه سعی می‌کند مشتریانش را قانع کند حتی برای یکبار هم که شده بچشدن و می‌گوید قطعا مشتری خواهند شد. انگار همینطور هم می‌شود. زن و مرد جوانی هر دو غذای حیدر خان را می‌پذیرند و سفارش دیگری نمی‌دهند. مشتری دیگری عدس پلو می‌خواهد و مشتری بعدی هم لوبیا پلو با ماست. حیدر خان می‌گوید ماستش حرف ندارد!

حیدر خان پیش از اینکه رستوران‌دار شود، وارد کننده پوشاک بود. درآمد زیادی هم داشت. دو دهنه مغازه داشت و علاوه بر واردات خودش هم تولید کننده بود. هفت هشت کارگر دوزنده داشت اما اتفاقی افتاد و او را وارد کرد شغلش را عوض کند. می‌گوید سادگی کردم و از آن کار آمدم بیرون... به نظر می‌رسد آدم باهوشی باشد. خودش هم اذعان دارد که دست به هر کاری بزند از آن چیز خوبی در می‌آورد. حالا هم ناشکر نیست و بهرغم تفاوت‌هایی که رستوران‌داری با مشاغل دیگر دارد، حیدر خان می‌خواهد برند معروفی شود.

همسر حیدر خان دستپخت خوبی دارد. او و همسرش، تصمیم گرفتند کلیه چُرَن را راه بیندازند. چرن کلیه‌ای کوچک اما باصفا است. رستوران غذاهای خانگی در خیابان ملک، دیوارهای سفید به سبک خانه‌های روستایی، تصاویری از چند کارگردان مطرح

نگاه

“

دوستدار محترم آتیه‌نو، شما می‌توانید برای اشتراک و دریافت هفته‌نامه، فرم زیر را تکمیل و براساس جدول مندرج هزینه اشتراک خود را پرداخت کنید.

آدرس پستی:

کد پستی:

تلفن ثابت:

تلفن همراه:

ارسال کنید. شروع ارسال نشریه حداکثر ۱۵ روز بعد از دریافت مدارک خواهد بود. هرگونه انتقاد و پیشنهادی را با شماره ۹-۰۸۸۵۱۷۰۸۸-۰۲۱ در میان بگذارید. آدرس: تهران، خیابان احمد قصیر، خیابان دوازدهم، شماره ۲۲، طبقه همکف، بخش توزیع

یکساله: ۶۰ هزار تومان

یکساله: ۶۴ هزار تومان

شش ماه: ۳۰ هزار تومان

شش ماه: ۳۲ هزار تومان

سه ماهه: ۱۵ هزار تومان

سه ماهه: ۱۶ هزار تومان

تهران
شهرستان

نام و نام خانوادگی:

کدملی:

تحصیلات و شغل:

نوع اشتراک:

تعداد هفته‌نامه درخواستی:

مشترک گرامی، لطفاً پس از تکمیل فرم فوق، وجه اشتراک مورد نظر را به حساب جاری ۱۱۰۱۱۰۱-۸۶۱-۱۰۱۵ بانک سرمایه شعبه کارگر شمالی (کد ۱۰۱۵) به نام موسسه فرهنگی و هنری آهنگ آتیه واريز و فيش واریزی را به همراه فرم تکمیل‌شده به شماره فکس ۰۸۷-۸۸۵۱۷۰۸۸-۰۲۱

فرم اشتراک
هفته نامه آتیه‌نو

